



تحلیل و بررسی نام‌آواها در زبان کُردی و پژوهشی در مصداق‌های کُردی و فارسی آن

علی محمدی^۱

عبدالستار نقشبندی^۲

چکیده

اهمیت نام‌آواها و ضرورت پژوهش درباره آن‌ها بر کسی پوشیده نیست؛ در بسیاری از زبان‌ها، بررسی نام‌آواها ده‌ها سال پیش آغاز شده و تحقیقات متنوعی درباره آن‌ها به فرجام رسیده است؛ اما؛ تحقیقات صورت گرفته درباره نام‌آوا در زبان فارسی اندک است. یکی از راه‌های بررسی نام‌آواهای فارسی مقایسه آن‌ها با نام‌آواهای دیگر زبان‌های ایرانی است، نام‌آواها در زبان کُردی - به‌عنوان یکی از زبان‌های اصیل ایرانی - بسامد بیشتری دارند؛ با توجه به ارتباط نزدیک زبان‌های کُردی و فارسی، ضروری می‌نماید نام‌آواهای این دو زبان باهم مورد مطالعه قرار گیرند. در این نوشتار، پس از بررسی و تعریف نام‌آوا و بحثی درباره طبیعت ساخت و ساختار آن‌ها و همچنین حدود و ثغور قراردادی‌شان، به‌منظور به دست دادن مصداق‌های عینی، برای نخستین بار نام‌آواهای پرکاربرد کُردی جمع‌آوری شده و در جدول‌هایی تنظیم و ارائه گردیده است. ابتدا نام‌آواهای مربوط به انسان، سپس نام‌آواهای مربوط به حیوانات و سرانجام، نام‌آواهای دیگر مورد بررسی و ملاحظه قرار گرفته. همچنین، مصدرهای برخی از آن‌ها همراه معادل فارسی پاره‌ای از نام‌آواها، ذکر شده است و در فرجام، به این پرسش پاسخ داده شده که چرا نام‌آواها در زبان کُردی به فراوانی دیده می‌شود؟ و سپس از کاربرد آن‌ها در شعر سخن رفته است.

کلیدواژه‌ها: نام‌آوا، اسم صوت، زبان کُردی.

✉ mohammadi2@yahoo.com

✉ a.s.naqshbandi@gmail.com

۱- استاد دانشگاه بوعلی سینا

۲- دانشجوی دکتری دانشگاه بوعلی سینا

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۵/۰۸

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۹/۱۶

مقدمه

نام آواها در هر زبانی وجود دارند، اما در زبان های اصیل، بسامد آن ها بیشتر است. وقتی از زبان غنی و اصیل سخن می گوئیم، بیش تر منظورمان زبان هایی است که کم تر مورد سایش و فرسایش زمانه و زبان های دیگر قرار گرفته اند. فراوانی نام آواها و بسامد بسیار آن ها یکی از ویژگی های زبان کردی است. یک بررسی اجمالی نشان می دهد که بسیاری از نام آواهای موجود در زبان کردی، معادل فارسی ندارند.

در دهه های اخیر، نام آواها بیش از هر زمان دیگری مورد توجه پژوهشگران واقع شده اند، اما؛ در زبان فارسی چنان که باید بدان ها پرداخته نشده است. یکی از راه های معرفی و تحلیل نام آواهای فارسی - و همچنین آنچه بیش تر مورد نظر این مقاله است - مطالعه تطبیقی نام آواها در زبان های گوناگون است. از آنجا که مجال بحث و نظر چندان فراخ نیست؛ ما با اشاراتی به نام آواهای زبان فارسی و کردی، تا حدی به بررسی تطبیقی نام آواها در این دو زبان می پردازیم.

پیشینه و ضرورت پژوهش

در زبان کردی تاکنون پژوهش مستقلی درباره نام آواها انجام پذیرفته است. در زبان فارسی ظاهراً نخستین بار دکتر سید محمود نشاط در مقاله ای به تفصیل به نام آواها پرداخته و فهرستی الفبایی از آن ها ارائه داده است. وی در آغاز این مقاله از مجمل باقی ماندن بحث اسم صوت در کتب دستور زبان فارسی سخن گفته است (نشاط؛ ۱۳۵۶: ۲۸۳). پس از مقاله دکتر نشاط، کامل ترین تحقیق در این زمینه، کتاب فرهنگ نام آوایی فارسی از دکتر تقی وحیدیان کامیار است که در سال ۱۳۷۵ انتشار یافته. یکی از محققین درباره اهمیت نام آواها می نویسد: نام آوا، در زبان و ادبیات فارسی یکی از مسائل درخور توجه زبان شناسی است، و در تاریخ این زبان، اصول و مبانی و ارزش های آن، باید پی گرفته شود و انواع آن، اعم از طبیعی و حیوانی و انسانی طبقه بندی و به لحاظ صورت و معنی بررسی گردد (مایل هروی؛ ۱۳۷۴: ۶۸ پانویس). به دلیل طبیعی بودن نام آواها و اهمیت آن ها در زبان گفتاری، به ویژه گفتار عاطفی، و نظر به اهمیت ویژه آن در شعر، در بسیاری از زبان ها، ده ها سال و در مواردی یکی دو قرن پیش فرهنگ نام آوایی تدوین گشته و تحقیقات بسیار در مورد نام آواها و انواع و نقش های آن ها صورت گرفته است. مثلاً فرهنگ نام آوای فرانسه را «شارل نادیه» دو قرن پیش (۱۸۰۸ م) نوشت (وحیدیان کامیار؛ ۱۳۷۵: ۱۴).

با توجه به ارتباط نزدیک زبان های کردی و فارسی ضروری می نماید نام آواهای این دو زبان باهم مورد مطالعه قرار گیرند و مقایسه شوند؛ این کار تاکنون صورت نگرفته است، بنابراین در این نوشته کوشش شده نام آواهای پر کاربرد کردی جمع آوری شوند و در کنار معادل های فارسی قرار گیرند؛ بدان امید که قدمی هر چند کوچک در این زمینه برداشته شود.

نام‌آوا چیست؟

نام‌آوا یا اسم صوت، لفظی است مرکب که معمولاً از طبیعت گرفته شده و خود، بیانگر صداهایی از قبیل صوت خاص انسان یا حیوان، صوت خواندن و راندن حیوانات و صوت به هم خوردن چیزی به چیزی می‌باشد: هن و هن، من و من، ترق و تروق، شارت و شورت، کیش کیش، قاه قاه، بع بع، قار قار، عرعر، میو میو، مارچ و مارچ، چلپ و چلوپ، شلاپ شلوپ، گارپ گورپ. این اصوات همان‌طور که در بالا آمده گاهی عیناً تکرار می‌شود و گاهی با تغییراتی؛ و نیز بین دو لفظ، گاهی واو عطف می‌آورند و گاهی نمی‌آورند (انوری و احمدی گیوی؛ ۱۳۷۰: ۱۰۵). دکتر نشاط می‌نویسد: اسم صوت، تقلید صدای انسان، حیوان و برخورد اشیاء و حالات مکانیکی، هر سه را شامل می‌شود (نشاط؛ ۱۳۵۶: ۲۸۹). وی، صوت خواندن و راندن حیوانات و کلماتی نظیر «جیز» در مورد ترساندن طفل از آتش و «پیف» را اسم صوت نمی‌داند و آن‌ها را جزء اصوات دانسته است. رک: (نشاط؛ ۱۳۵۶: ۲۹۰). لغت نویسان، نام‌آوا را محدود می‌کنند به واژه‌هایی که به تقلید صدا ساخته شده‌اند. اما؛ زبان‌شناسان [از جمله یسپرسن و اولمن، رک: (وحیدیان کامیار؛ ۱۳۷۵: ۲۹)] و اهل ادب و شعر آن را به مفهومی گسترده‌تر به کار می‌برند و آن را شامل هر واژه‌ای می‌دانند که میان لفظ و معنای آن نوعی رابطه طبیعی و ذاتی باشد. مانند واژه‌هایی که پژواک صداها هستند مثل «جیک جیک» یا «کوکو»، یا واژه‌هایی مانند «مورمور» یا «گزگز» که گرچه مدلول آن‌ها صدای مسموع ندارد اما؛ وقتی این عارضه‌ها پیدا شود، احساس می‌کنیم که در استخوان‌ها و عضلاتمان صداهایی است مانند «مورمور» و «گزگز» یا واژه‌هایی مانند «حریر» که حروف نرم آن بالطافت این پارچه مطابقت دارد و «کرباس» که تلفظ خشن آن حاکی از درشتی این پارچه است نسبت به حریر (وحیدیان کامیار؛ ۱۳۷۵: ۱۰). باید متذکر شد که نام‌آواها را نباید با اصوات از یک مقوله دستوری به شمار آورد، زیرا نام‌آواها اسم هستند درحالی که اصوات را شبه جمله می‌نامند؛ برای مثال کلماتی مانند وای، آخ، حیف، هیس، و... صوت یا شبه جمله هستند و واژه‌هایی مانند تق‌تق، هن و هن، من و من، میا میا، قارقار و... نام‌آوا یا اسم صوت نامیده می‌شوند (نیکوبخت؛ ۱۳۸۳: ۱۲۲).

معادل گُردی نام‌آوا، «ناوهده‌نگ (ناوَدَنگ)» و معادل انگلیسی آن onomatopoeia است. این کلمه با onomatope در زبان فرانسوی تطبیق می‌کند که یک اسم مؤنث و به معنی کلمه‌ای است که بازتاب صدای چیزی است (نشاط؛ ۱۳۵۶: ۲۸۴).

شاعران بزرگ از دیرباز در اشعار خویش از نام‌آواها بهره برده‌اند، در زیر چند نمونه نقل می‌شود:

مولانا جلال‌الدین:

بهر طفل نو، پدر تی تی کند	گرچه عقلش هندسه گیتی کند
مه فشاند نور و سگ عوعو کند	هرکسی بر خلقت خود می‌تند
مه فشاند نور و سگ وع وع کند	سگ ز نور ماه کی مرتع کند؟
ژغژغ آن زان تحمل می‌کنی	تا که خاموشانه بر مغزی زنی

عُفْ عُفْ هُمی زند اشتر من ز تف تَفی وع وع هُمی کند حاسدم از شلققلی

نیما یوشیج:

زیک و زیک، زائی

لحظه‌ای نیست که بگذارم آسوده به جا در شب تیره

تی تیک، تی تیک

در این کرانه ساحل و به نیمه شب

نُک می‌زند

سیولیشه

روی شیشه تی تیک.

محمد رضا شفیعی کدکنی (م. سرشک):

به هیچ خنجر این ریسمان نمی‌گسلد

صدا می‌آید یکریز روز و شب از باغ:

چیوچیو، چَچَ، چَه‌چَه، چیوچیو، چَه‌چَه.

(داد؛ ۱۳۸۲: ۲۲۲).

نام آواها قراردادی اند یا طبیعی؟

بحث در چگونگی ارتباط لفظ و معنی و این که دلالت لفظ بر معنی، ذاتی و طبیعی است یا قراردادی و وضعی قرن هاست دانشمندان را به خود مشغول داشته است. اگر تحقیقات فلاسفه و اندیشمندان را درباره ارتباط لفظ و معنی پی بگیریم، درمی‌یابیم که دیدگاه‌ها به دوشاخه اساسی تقسیم می‌شوند: گروهی این ارتباط را طبیعی و ذاتی می‌دانند، درحالی که گروه دیگر، آن را وضعی و مصنوع می‌خوانند و برآنند که انسان، آن‌ها را به حکم ملابست لفظ با دلالت، پدید آورده و می‌تواند این ارتباط را از میان بردارد و لغاتی جدید برای همان دلالت‌ها بسازد (مندور؛ ۱۹۶۳: ۹۵). در یونان قدیم، به گفته افلاطون، کراتیلوس که طبیعت‌گرا بود، باور داشت که همه واژه‌ها، با مفاهیم خود رابطه‌ای طبیعی دارند... /رسطو، این نظر را رد کرد و گفت که رابطه لفظ و معنی واژه، قراردادی است و تفاوت واژه‌های زبان‌های مختلف را دلیل بر قراردادی بودن دلالت لفظ بر معنی دانست. پس از /رسطو نیز میان دانشمندان در این مسأله اختلاف نظر وجود داشته است. مثلاً بعضی از دانشمندان اسلامی و ایرانی به ذاتی بودن رابطه لفظ و معنی، اعتقاد داشتند از جمله خلیل بن احمد فراهیدی و سیبویه که باور داشتند عرب، لفظ را بر شکل و هیأت معنی می‌سازد. /بوعلی فارسی و شاگردش /ابن جنی و سیوطی و میرداماد نیز رابطه لفظ و معنی را طبیعی می‌دانستند (وحیدیان کامیار؛ ۱۳۷۵: ۱۰ - ۹) نخستین چیزی که توجه خلیل بن احمد را به این (ارتباط میان لفظ و مفهوم) جلب کرد، الفاظ حکایت‌گر از صدای مسموعات بود (مندور؛ ۱۹۶۳: ۹۶) که همان نام آواها هستند.

زبان‌شناس مشهور فردینان دوسوسور (۱۹۱۳-۱۸۵۷) دلالت مستقیم الفاظ را به پدیده‌های جهان خارج، مردود می‌داند (صفوی؛ ۱۳۸۳: ۳۴). عناصر بنیادین یک زبان از نظر سوسور، نشانه‌ها هستند. نشانه‌ها، یک صدا یا تصویر (دال) و یک مفهوم (مدلول) را به هم پیوند می‌دهند. اصل کلیدی نظریه سوسور به اختیاری بودن ماهیت نشانه اشاره دارد؛ یعنی هیچ رابطه طبیعی بین دال و مدلول وجود ندارد (هوارث؛ ۱۳۸۶: ۱۹۰)؛ همین امر سبب می‌گردد تا نشانه‌های زبان، تابع تاریخ باشند و در طول زمان تغییر کنند (صفوی؛ ۱۳۸۳: ۳۷). البته در اغلب زبان‌ها می‌توان قواعد و قوانین خاصی استخراج کرد که به نحوی دلالت ذاتی و طبیعی واژه‌ها بر معانی را تقویت می‌کند (نیکوبخت؛ ۱۳۸۳: ۱۳۱). در روزگار ما گرچه زبان‌شناسان قراردادی بودن رابطه لفظ و معنی را به اثبات رسانده‌اند؛ اما همه آنان بر این باورند که در تمام زبان‌های دنیا، گروهی از واژه‌ها هستند که دلالت لفظ آن‌ها بر معنی کمابیش طبیعی و ذاتی است. این‌گونه واژه‌ها را نام‌آوا یا اسم صوت (onomatopoeia) می‌نامند (وحیدیان کامیار؛ ۱۳۷۵: ۱۰). نام‌آوا، واژه است اما نه واژه معمولی زبان، واژه‌ای است طبیعی و واقعی، نه قراردادی و مصنوعی (همان: ۹). وجود نام‌آوا، نظریه محاکات را در باب منشأ زبان تأیید می‌کند (مایل هروی؛ ۱۳۷۴: ۶۸ پانویس). این که افراد با شنیدن نام‌آواهای زبان‌های دیگر، بدون دانستن معنای آن‌ها، می‌فهمند که این ساختار، نام‌آوا است، خود بیانگر ذاتی و طبیعی بودن نام‌آواهاست. نیز، ر.ک: (وحیدیان کامیار؛ ۱۳۷۵: ۳۶ - ۳۴). در بسیاری از زبان‌ها نام‌آواها با کمی تفاوت از نظر تلفظ باهم مشترک‌اند (نیکوبخت؛ ۱۳۸۳: ۱۲۲).

تقسیم‌بندی نام‌آواها

دکتر نیکوبخت در مقاله «صوت آواها و نظریه منشأ زبان»، نام‌آواها را از نظر تولید به ده گونه تقسیم کرده است که چون دو گونه آخر آن تکرار موارد ۱ و ۶ است، هشت گونه دیگر را به اختصار برمی‌شماریم:

۱. نام‌آواهای نمایانگر صدای حیوانات؛
۲. کلماتی که برای خواندن یا راندن حیوانات به کار می‌روند؛
۳. کلماتی که به تقلید بعضی از صداهای انسان مربوط‌اند، مانند خُرْخُر و پیچ پیچ؛
۴. نام‌آواهایی که به پاره‌ای حالات انسان اطلاق می‌شود مانند شارت و شورت و غرولند؛
۵. نام‌آواهایی که حاکی از اصطکاک یا به هم خوردن اشیاست؛
۶. نام‌آواهایی که مربوط به صدای اشیاست مانند تاپ تاپ و غلغل؛
۷. نام‌آواهایی که به پاره‌ای احساسات آدمی مربوط می‌شوند و مسموع نیستند مانند مورمور، گِرْگِر؛
۸. نام‌آواهایی که نام جاندار از آن اقتباس شده است مانند کوکو، جیرجیرک (نیکوبخت؛ ۱۳۸۳: ۱۲۵ - ۱۲۲).

انواع رایج نام‌آواها - با توجه به ساختار آن‌ها - از این‌ها قرارند:

۱. ترکیبات اضافی تکراری (که بیشترین نوع را در برمی‌گیرند): تاپ تاپ، تیک تیک، تق تق، واق واق

۲. ترکیبات اضافی عطفی با «واو»:

الف) جزء دوم در ترکیب اضافی عطفی با «و» گاه یک دگرگونی آوایی از جزء نخست است: تاپ و توپ، دامب و دومب، هارت و هورت و...

ب) گاه هر یک از دو جزء، دو نام آوای مختلف است: اخ و تف، تخ و پوغ، جلز و ولز و...

۳. ترکیب عطفی با «الف»: ترنگا ترنگ، چاکا چاک، طراقا طراق و...

۴. زمانی که صدا به طور ناگهانی ایجاد می شود و تداوم و تکرار در آن نیست، نام آوا هم به صورت

اضافی و تکراری نیست و به تنهایی به کار می رود: تلاق، ترق، جرینگ، داق، گارامب و... (قاسمی؛ ۱۳۷۷: ۵۰-۴۹ با تلخیص).

از این چهار نوع، نوع سوم در زبان کردی وجود ندارد.

پیش از ارائه جدول نام آواها، تذکرات زیر، ضروری می نماید:

۱. در این نمایه، تنها نام آواهای پر کاربرد گردآوری شده، با این وجود شمار قابل توجهی از این نام آواها - به هر دلیل - از فرهنگ های کردی فوت شده است.

۲. کاربرد برخی از نام آواها و مفهوم آنها در گویش های مختلف زبان کردی، متفاوت است.

۳. بعضی از نام آواها، مفاهیم و کاربردهای دیگری دارند که در اینجا نیامده است.

۴. توضیحاتی که درباره برخی از نام آواها آمده است، به سبب تفاوت های دو زبان و دشواری کار، لاجرم کامل و دقیق و رسا نیست.

۵. برخی از معادل های ارائه شده فارسی، دقیق نیست و تقریبی است.

۶. ممکن است برای پاره ای از نام آواها در برخی از گویش های زبان فارسی معادل هایی وجود داشته باشد که در اینجا ذکر نشده باشند. این بدان سبب است که این گونه کلمات معمولاً در فرهنگ ها ضبط نمی شوند.

۷. در این نمایه، نام آواها زیر سه عنوان کلی: نام آواهای مربوط به انسان، نام آواهای مربوط به حیوانات و نام آواهای دیگر گردآوری شده است.

۸. این علائم: (... /)، (... /) بدین معنی است که برای مفهوم نخست یا دوم نام آوا معادل فارسی یافته نشده است.

جدول نام‌آواها

الف: نام‌آواهای مربوط به انسان

نام‌آوا	معادل فارسی	توضیح
بوره بۆر/ بۆر و بار/ بۆرانندن		فریاد زدن مردی که صدایش کلفت است و گریه‌گر کودک
پچه پچ/ فچه فچ/ پچاندن	پچ پچ	
ترییق و هوور	قاه قاه / قهقهه	
ترییکه/ ترییکانندن/ چبیله		صدای خنده آهسته و نازک
جووک و جاک/ جووکه جوک/ جووکانندن		گریه همراه با بهانه جویی و شکایت و گریه گلایه آمیز کودک
جییره جییر/ کییره کییر/ کییرانندن	جیر جیر	صدای به هم ساییدن دندان‌ها
جیق و جاق/ جیقچه/ جیقانندن		صدای جیغ زدن زن
چه چپ/ چپ و چاپ/ چپاندن	پچ پچ	
چریک و هوور/ چریکه/ چریکانندن		صدای جیغ زدن زن و کودک مخصوصاً جیغ برآمده از درد
چلپ و چاپ/ چلپه	ملچ و ملوچ	
چیق و جاق/ چیقچه/ چیقانندن		صدای جیغ زدن زن
حاره حار/ حییره حییر/ حییر و حار	خس خس	صدای نفس کشیدن کسی که تنگی نفس دارد
حلهله حیو/ حیوه حیو		داد و فریاد زدن و فریاد شادی
خرمه خرم/ خرمانندن		صدای جویدن برخی خوراکی‌ها
زریک و زاگ/ زریک و هوور/ زریکانندن		صدای جیغ زدن (مخصوصاً جیغ برآمده از درد)
زیره زیر/ زیر و زار / زیرانندن		صدای گریه کردن کودک
زیره زیق/ زیره/ زیقانندن		حرف زدن افرادی که صدایشان زیر است و گریه‌گر کودک
زیکه زیک/ زیک و زاگ/ زیکانندن		گریه‌گر کودک و جیغ زدن زن و حرف زدن افرادی که صدایشان زیر است
شریخه/ شریخانندن		صدای گریه کردن نوزاد (گریه شدید) و داد زدن
فشه فش/ فیشه فیش		صدایی که از حرف زدن کسی که دندان‌هایش افتاده برمی‌آید
قرخ و قاخ/ قرخه/ قرخه قرخ/ قرخانندن		صدای برآمده از گلو و سینه (مخصوصاً صدای صاف کردن سینه)
قورخه قورخ/ قفه قف/ قورخین/ قفین	کُخ کُخ	صدای سرفه پیاپی
قوره قور/ قوراندن	قار و قور	صدای برآمده از شکم بر اثر گرسنگی و...
قیچ و قاچ/ قیچه/ قیچاندن		صدای جیغ زدن زن
قییر و قار/ قیره/ قیرانندن		صدای فریاد زدن (مخصوصاً فریاد زدن مرد)
قیژ و قاز/ قیژ و واژ/ قیژه/ قیژانندن		صدای جیغ زدن زن و کودک
کرمه/ کرم/ کرمانندن		صدای جویدن برخی خوراکی‌ها
مشه مش/ مشانندن		صدای بالا کشیدن بینی و فین کردن
ملچه ملچ/ ملچ و ماچ/ ملچه	ملچ و ملوچ	
نرغه نرق/ نرغه/ نرقانندن	هین و هین	
نرکه/ نرکانندن/ نرکه	هین و هین / ...	فریاد زدن

مرخه / مرخ / مرخاندن	خُرْخُرْ	
قیبوه		صدای کودک (مخصوصاً صدای برآمده از شادی)
زرموکوت / شلپوکوت / زرم و زام		صدای زد و خورد و کُتک زدن
نووکه نووک / نووکه / نووکاندن		سخن گفتن یا گریه همراه با شکایت و بهانه جویی
ههرا ههرا		داد و فریاد
فزه / فززه		کوچکترین صدا یا حرکت
مرخیش / مرخیش	کُخْ کُخْ	صدای نفس نفس زدن
قچ		صدای جوشش چرک از زخم
گرنگه / گرنگ		همهمه، صدای آواز خواندن زیر لب
فنج / فنگه / فینگه / فینگ		صدای بینی
فنکه / فنک		گریه آرام
ههنگه / ههنگ	هین و هین	
مینگه / مینگ		صدای سخن گفتن کسی که بینیش گرفته است و حرف زدن تودماغی
پلته / پلته		صدای سخن گفتن نامفهوم و بیهوده
فلته / فلته / فرته / فرت		صدای سخن گفتن کسی که دندان ندارد
ره په / ره په / ره په	تاپ تاپ	
ته پته پ / ته پته پ	تپ تپ	
ههسکه / ههسک	کُخْ کُخْ	صدای نفس نفس زدن

ب: نام آواهای مربوط به حیوانات

توضیح	معادل فارسی	نام آوا مصدر
صدای بز و گوسفند	بع بع	باره بار / باراندن
صدای بلبل و نظایر آن	چهچه / چکل چکل	جریوه جریو / زریوه زریو / جریواندن
	جیک جیک / جریس / جریس	جیکه جیک / جیک و جاک / جیکاندن
	جیک جیک	جیوه جیو / جیواندن
	عوعو / وع وع	حه په / حه پ
	عوعو / وع وع	حه چه / حه چ
شیهه اسب		حیله حیل / حیلاندن
شیهه اسب		حیلکه هور / حیلکه حیلک
	جیرجیر	زیکه زیک / زیکاندن
	عرعر / عنگ عنگ	سه ره سه / سه راندن
صدای پریدن کبک و امثال آن		فجوق / فجوق / فجور



قرآسه	عوعو	
قاره قار / قاراندن		صدای بزغاله و بره
قاسپه قاسپ / قه‌سپه / قه‌سپاندن	... / قدقد	قاسپه: صدای کبک است و قه‌سپه بیشتر برای مرغ به کار می‌رود
قورَه / قوراندن		صدای گاو و گوساله
قوله قول / قوولاندن	قوقولی قوقو	صدای خروس
قوزره قوزو / قوزاندن	کلیس کلیس	صدای ناله سگ
قید قید	قدقد	
گه‌فه / گه‌فه گه‌ف / گه‌فین	عوعو / وع وع	
گیزه‌گیز / گیزاندن	وز وز / ویز ویز	
لووره لوور / لووراندن		زوزه گرگ
میاو میاو / میاواندن	میومیو	
نه‌رنه‌ر / نه‌راندن	... / عرعر	صدای حیوان وحشی خشمگین
واقه واق	قورقور / واق واق	
وهره وهر / وهراندن / وهرین	عوعو / وع وع	
پشه پش!	پیش! / پیش!	
توی توی	تی تی / جاجا	صدای خواندن ماکیان
چخه / چغه!	چخ / چخه	صدایی که سگ را با آن می‌رانند
گدی	بج بج	کلمه خواندن بز و بزغاله
گولوگولو		صدای خواندن گوساله
وه‌حه!		صدای راندن گاو
هوپ		صدای متوقف کردن شتر (برای ماشین هم به کار می‌رود)
هوش	حُش / چُشه / چُشو	صدای متوقف کردن چهارپا
هوله		صدای راندن و خواندن گوساله

ج: نام‌آواهای دیگر

نام‌آوا مصدر	معادل فارسی	توضیح
تافه		صدای جریان آب فراوان
تکه / تکه تک	چک چک	
چکه	چک چک	
چوره چور		صدای سرازیر شدن آب اندک
خوره / خور خور	... / شُر شُر	صدای جریان آب
خوشه	... / شُر شُر	صدایی که از دوشیدن شیر در ظرف و امثال آن برآید



شلیپه / شلیپه شلیپ / شلیپوشاپ	شالاپ/... / شلپ شلوپ	صدای در آب افتادن و افتادن اشیای نرم سنگین و راه رفتن کسی که لباسهای او تر است
شلقه شلق		صدای لب پر زدن آب و جنیندن مایعات در ظرف
فلقه فلق		صدای بیرون جهیدن آب از زیر سنگ و گل ولای و جنیندن مایعات
فیشقه / فیشکه / فیچقه		با فشار و ناگهانی خارج شدن و فوران آب و مایعات
قرژه	چز چز	
قرژه	چز چز	
قوله قول / قیچ	غلل	صدای برآمدن آب از زمین و آب در حال جوشیدن
شوره		صدای سرازیر شدن آب باران از بام و آبی که از پارچه خیس به زمین می‌ریزد
هاره		صدای جریان آب فراوان و صدای سنگ آسیا و امثال آن
هاژه		صدای آبشار و صدای وزش باد از میان شاخسار
پوق / پوقه	پاق /...	صدای برخورد برخی از اشیاء به همدیگر
ته‌په		صدای افتادن شیئی نرم و سنگین
ته‌قه	تق تق	
ترپه		صدای افتادن و صدای پا (مخصوصاً هنگام بالا و پایین پریدن)
تلیپه		صدای افتادن شیئی نرم و سنگین
تره‌ققه	ترق ترق	
جییره / جییراندن	جیر جیر	
جیزه / جیزاندن	چز چز	
جزه	چز چز	
جرنگه / جرینگه	جرینگ جرینگ	صدای بر هم افتادن سکه
چزه	چز چز	
چرکه	تیک تاک	
خرمه		صدای خوردن برخی میوه‌ها مانند خیار
خرنگه		صدای زیورات
خره	زغزغ	صدای به هم خوردن گردو و ...
خشپه		صدای راه رفتن کسی که لباسهایش به زیورات آراسته است و راه رفتن کسی که می‌خرامد و صدای گذاشتن پا روی برخی چیزها
خشه	خش خش / ...	صدای زیورات
ر‌مه / ر‌مبه		صدای افتادن شیئی سنگین و ریختن دیوار
زرمه زرم / زرموزام / زرمو هوور		صدای افتادن جسم نرم و سنگین



زره	دنگ دنگ / ...	صدای زنگ، صدای به هم خوردن حلقه‌های زنجیر و زیورات
شرپه		صدای در آب افتادن
شهره‌ققه		صدای برخورد برخی از اشیاء به همدیگر
فرته / فرته فرت		صدای گریختن و جنبیدن سریع
فیشکه		صدای برخی حیوانات هنگام گریختن
فیکه / فیکاندن		صدای سوت
فیقه / فیقاندن	فیق فیق	صدای بوق
قرپه		صدای شکسته شدن برخی اجسام
قرته		صدای شکسته شدن اجسام نازک و باریک و صدای گسستن نخ با دندان
قرچه قرچ / قرچو قاچ / قرچو بریژ		صدای روغن بر روی آتش و برشته شدن
قرره / قره		صدای چرخش تند جسم کاوک مدور
فسه / پسس	فسس	صدای خارج شدن باد
کرچه	تیک تاک	
کره		صدای کشیده شدن اجسام سخت بر زمین
کرمه		صدای جویدن برخی خوراکیها و جویدن غضروف
کرپه		صدای شکسته شدن اجسام نازک
کرته		صدای شکسته شدن اشیاء نرم و ترد
زرنگه	درنگ درنگ	صدای به هم خوردن فلزات
گیبیره گیبر / گیبر اندن		صدای موتورسیکلت و امثال آن
گرمه		صدای رعد و برق و ...
گرپه		صدای شعله کشیدن ناگهانی آتش
گیبیره گیبر / گیبرانندن	... / وز وز	صدای کتری و سماور در حال جوش
کیفیه		صدای باد
گیفیه		صفیر گلوله و ...
پلته		صدای بیرون آوردن چوب‌پنبه بطری و امثال آن
قچقچاندن		صدای گذاشتن روغن و دنبه بر آتش
قرمه		صدای شکستن تنه درخت و صدای گلوله
ویزه	وز وز	صدای حشرات و صفیر گلوله

چرایی وفور نام آواها در زبان کردی

در زبان‌هایی که سخن‌گویان آن با طبیعت بیشتر الفت دارند، نام آواهای بیشتری وجود دارد (مایل هروری؛ ۱۳۸۱: ۶۸ پانویس). زندگی کُردها از دیرباز وابسته به طبیعت و در دامان آن بوده است، در بیشتر مناطق کُردنشین، زندگی مردم با دامداری و کشاورزی می‌گذرد، این، یکی از دلایل فراوانی نام آواهای مربوط به حیوانات و طبیعت در زبان کُردی است. موقعیت جغرافیایی کُردستان و واقع شدن آن در میان کوه‌های سر به فلک کشیده و دره‌های صعب‌العبور و دشواری برقراری ارتباط با اهالی زبان‌های دیگر سبب شده اصالت زبان کُردی حفظ شود و کمتر دچار فرسایش گردد و نام آواها در آن عمر طولانی‌تری بیابند و از تعداد آن‌ها کاسته نشود. دلیل دیگر فراوانی نام آواها در کُردی، ساختار خاص این زبان است که در آن، زبان و چرخش آن در دهان، فرایندی پیچیده‌تر و متراکم‌تر دارد و به‌گوینده این توانایی و اجازه را می‌دهد که اصوات بیشتری را تقلید کند. این دلایل می‌تواند تا حدودی وفور نام آواها را در این زبان توجیه کند.

کاربرد نام آواها در شعر

از آنجاکه آفرینش زیبایی با واژه‌ها است و لفظ و موسیقی آن برای شاعران کمال اهمیت را دارد... لذا نام آواها در شعر اهمیت ویژه‌ای دارند (وحیدیان کامیار؛ ۱۳۷۵: ۳۷). نام آواها، عینیت دارند و ملموس و محسوس هستند و چون شاعران برآنند که مفاهیم ذهنی را عینیت ببخشند و به‌قول معروف، شاعران، حرف نمی‌زنند بلکه تصویر می‌کشند، لذا نام آواها یکی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین ابزارهای کار شاعری است (همان: ۳۹). شاعران، با استفاده از نام آواها و تکرار آن‌ها، اشعار خویش را می‌آرایند، نام آواها، شعر را موسیقایی‌تر می‌کنند. در بخش تعریف نام آوا، نمونه‌هایی از اشعار فارسی که در آن‌ها از نام آوا استفاده شده بود نقل شد، شاعران کُرد هم در اشعارشان از نام آواها بهره برده‌اند در ذیل، برای نمونه چند بیت شعر از شاعر نامی کُرد علامه سید عبدالرحیم معدومی مشهور به مولوی نقل می‌شود:

نامه‌ی نهفتینت یه‌ک ڤو باد ئاوهر د
کلیه‌ی بلنسه‌ی کوورهم زیاد که‌رد...
 سه‌دای لاو هه‌ی لاو زیره‌ی زهر زنجیر
 سلسله و بان‌ی سه‌ر به‌ندزری و لا گیر
 زیله‌ی گواره و زرنگه‌ی زهنگله‌ی زهر
 لهرزه‌ی نه‌ونه‌مام، لهره‌ی لیموی ته‌ر...
شه‌قه و ته‌قه‌ی گهرم جهیله و جیله‌ی نهرم
 چریکه‌ی وه ناز، تریکه‌ی وه شه‌رم...
چفه‌ی گهرده‌ن که‌چ مه‌رگ من پیش واچ؟!‌
 خاین وه‌خه‌فه‌ت نه‌زان جگهر پاچ...
شاخه‌ی شریخه‌ی خشل نیمه ره‌نگ

فره‌ی فَوْتَه‌ی شَوْر، پاژنوی گول‌لنگ چهنگ
خشه و خشپه‌ی خاس، ترپه‌ی په‌نجه‌ی که‌وش
عیشوه و نه‌زاکه‌ت گریشمه‌ی بی‌خه‌وش
وه لیموی نالای کالای بالای شه‌نگ
قرچه و چوقه‌ی جهرگ، دلّ وه خه‌مان ته‌نگ...
شباباش شادیی شه‌یدای شاباشان
خاس‌خاس کزه‌ی سَوَز ده‌روون خاش‌خاشان...
 (مه‌وله‌وی، بی‌تا: ۴۱۵-۴۱۱).

نتیجه‌گیری

نام‌آواها در هر زبانی وجود دارند اما در برخی از زبان‌ها فراوان‌ترند، زبان کُردی یکی از زبان‌هایی است که نام‌آواها در آن بسیارند، برخی از نام‌آواهای زبان کُردی با نام‌آواهای فارسی شباهت بسیار دارند و این به دلیل ارتباط نزدیک این دو زبان باهم است. شمار زیادی از نام‌آواهای موجود در زبان کُردی فاقد معادل در زبان فارسی هستند. به نظر می‌رسد بررسی نام‌آواهای کُردی برای مطالعه تاریخی زبان فارسی مفید واقع گردد. شاعران کُرد نیز همچون شعرای دیگر در اشعار خویش از نام‌آواها بهره برده‌اند.

منابع

- ابن خلف تبریزی، محمدحسین (۱۳۶۱)، برهان قاطع، با تصحیح و توضیح و مقابله نسخ به اهتمام دکتر محمد معین، تهران: امیرکبیر، چاپ سوم.
- انوری، حسن و احمدی گیوی، حسن (۱۳۷۰)، دستور زبان فارسی ۲، تهران: انتشارات فاطمی، چاپ ششم.
- داد، سیما (۱۳۸۲)، فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران: انتشارات مروارید، چاپ اول [ویرایش جدید].
- سه‌جادی، به‌ختیار - مه‌موودی، محمهد (۲۰۰۲)، فره‌هنگی زاراوه‌ی ته‌ده‌بی (کوردی - ئینگلیزی)، سلیمانیه: ده‌زگای چاپ وپه‌خشی سه‌رده‌م، چاپی یه‌که‌م.
- شرف‌کندی، عبدالرحمن (ماموستا ه‌زار) (۱۳۶۹)، فره‌نگ کُردی فارسی هه‌نبانه بورینه، تهران: انتشارات سروش، چاپ اول.
- صفوی، کورش (۱۳۸۳)، فردینان دو سوسور، مجله زبان و ادب، زمستان ۱۳۸۳، شماره ۲۲، صفحات ۲۴ تا ۴۲.
- قاسمی، مسعود (۱۳۷۷)، اسم صوت و کاربردهای یک نام‌آوا در فارسی و عربی، مجله نامه پارسی تابستان ۱۳۷۷، شماره ۹، صفحات ۴۹ تا ۵۲.
- مایل هروی، نجیب (۱۳۷۴)، پسوندی نام‌آوا ساز در گونه‌های فارسی خراسانی، مجله نامه فرهنگستان، تابستان ۱۳۷۴، شماره ۲، صفحات ۶۸ تا ۷۳.

- مهولهوی، سید عبدالرحیم (بی تا)، دیوانی مهولهوی، کوکردنه‌وهو لیکدانه‌وهو له سه‌رنووسینی: مه‌لا عبدالکریمی مدرّس، سقز: انتشارات محمدی، چاپ دوم (افست).
- معین، دکتر محمد (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر، چاپ هشتم.
- مقیمی زاده رؤیا (۱۳۸۹)، اسم صوت‌ها در آثار هوشنگ مرادی کرمانی، فصلنامه فرهنگ مردم، سال نهم بهار ۱۳۸۹، صفحات ۱۴۷ تا ۱۵۲.
- مندور، مصطفی (۱۹۶۳)، البحث عن دلالة اللفظ، حوليات كلية الآداب (جامعة عين شمس)، المجلد ۸ يناير ۱۹۶۳، صفحات ۹۱ تا ۱۶۶.
- نشاط، سید محمود (۱۳۵۶)، اسم صوت و کاربرد آن در زبان فارسی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، بهار و تابستان ۱۳۵۶ – شماره ۹۷ و ۹۸، صفحات ۲۸۳ تا ۲۹۸.
- نیکوبخت، ناصر (۱۳۸۳) صوت آواها و نظریه منشأ زبان، مجله پژوهش‌های ادبی، بهار ۱۳۸۳، شماره ۳، صص ۱۱۵ تا ۱۳۲.
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۷۵)، فرهنگ نام آواها در زبان فارسی، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ اول.
- هوارث، دیوید (۱۳۸۶) سوسور، ساختارگرایی و نظام‌های نمادین، ترجمه: نظام بهرامی کمیل، مجله رسانه، زمستان ۱۳۸۶، شماره ۷۲، صفحات ۱۸۷ تا ۲۰۴.